

نقش تربیتی پدر در هویت یابی دختران

معصومه نفیسی راد¹

چکیده:

هویت جنسیتی از مفاهیم مهم علوم اجتماعی و یکی از ابعاد هویت است. هویت یابی یکی از مسائل مهم دختران است و عوامل متعددی همچون، خانواده، مدرسه و جامعه در شکل گیری آن نقش دارند. از مهمترین عوامل موثر در هویت یابی دختران بویژه هویت جنسیتی، نقش تربیتی پدر است. خانواده اولین بستر اجتماعی است و پدر و مادر دو رکن اصلی خانواده و اولین افراد مورد ارتباط با فرزند هستند و نقش آنان در هویت یابی فرزندان حائز اهمیت است. امروزه در اثر گسترش صنعت و جهانی شدن، شکاف زیادی بین نسل نوجوان با والدین ایجاد شده و هویت یابی نوجوانان را دستخوش تغییرات کرده است. در زمینه عوامل موثر بر هویت یابی دختران و تاثیر خانواده بر آن، پژوهش‌هایی انجام شده، اما در مورد نقش تربیتی پدر بر هویت یابی دختران، پژوهش دقیقی صورت نگرفته است. در این مقاله تلاش شده به بررسی نقش تربیتی پدر در هویت یابی دختران پرداخته و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از داده‌های کتابخانه‌ای به تبیین نقش پدر در تربیت دختران و ابعاد تاثیر گذاری آن بر هویت یابی دختران پرداخت. نقش پدر از همان دوران بارداری مادر شروع و تا دوره خردسالی، دوران پیش از بلوغ و حتی دوران پس از بلوغ دختر ادامه می‌یابد. بر اساس پژوهش‌ها، دختران برخوردار از حمایت عاطفی پدر به عنوان اولین جنس مخالف مورد ارتباط، در بزرگسالی کمتر دچار انحراف و تصمیم‌های سطحی و هیجانی می‌شوند و هویت یابی موفق‌تری خواهند داشت.

کلیدواژه: هویت دختران، هویت جنسیتی، پدر، تربیت، خانواده.

طرح مسئله

از منظر زیست‌شناسان، «هویت جنسیتی» تصویر و احساسی است که زن یا مرد، از زن بودن یا مرد بودن خود دارد. همچنین، انتظاراتی است که فرد به عنوان یک جنس متمایز با جنس دیگر از خود دارد. «جنس» ویژگی‌های طبیعی یک نوع خاص، همچون سطوح هورمونی، اندام‌های جنسی داخلی و خارجی، توانمندی تولید مثل و غیره است. واژه «جنسیت» مجموعه‌ای از

¹ کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

فرآیندها، رفتارها، روابط و نقش های متفاوتی است که جامعه به زنان و مردان می دهد. شناخت و باور افراد نسبت به هویت جنسیتی، متأثر از شرایط فرهنگی-اجتماعی و شیوه های تربیتی است. در واقع، هویت جنسیتی، هویتی برآمده از هویت های مختلفی است که شرایط، عوامل و نقش های مختلف فردی و اجتماعی در تکوین و تبلور آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم دخیل هستند(رئوف ملایری، 1397: 303).

«نقش جنسیتی» انتظارات جامعه از هر یک از زنان و مردان، با توجه به پایگاه اجتماعی، فعالیت ها و رفتارهای آنان است. در واقع، نقش جنسیتی، مطالباتی است که جامعه از فرد دارد که خود را با الگوهای رفتاری دو جنس، که مورد پذیرش اجتماع بوده، همانند سازی کند. این انتظار و مطالبات یا بر پایه تفاوت های طبیعی میان زن و مرد بوده و یا بر پایه نتایجی است که از تقسیم کار جنسیتی در خانواده و اجتماع به دست می آید(غلامی، 1398: 131).

از دیدگاه اسلامی، مهم ترین نقش های جنسیتی عبارتند از: همسری، شوهری، مادری، پدري، سرپرستی خانواده، خانه داری و ولایت اجتماعی است. ایفای این نقش های مردانه و زنانه در خانواده و اجتماع کارکردهایی به همراه دارد. این نقش ها با ویژگی های طبیعی و روانی زن و مرد همخوان است و نشاط و رضایتمندی هر دو جنس را به همراه دارد. همچنین، نقش های متفاوت زن و مرد مکمل یکدیگر بوده و سبب تحکیم خانواده و اجتماع می شود(غلامی، 1398: 131).

تربیت به دو قسم رسمی، در محیط های آموزشی مدرسه و آموزش عالی و غیر رسمی که از سوی والدین، مربیان و مشاوران اجتماعی و رسانه های فرهنگی که به صورت پنهان ارائه می شود، قابل تفکیک است. افراد باید نگرش ها، تمایلات و رفتارهای خود را به گونه ای هدایت کنند که انتظارات را برآورده کرده و تکالیف خود را به درستی انجام دهند. در نظام تربیت دینی، دختران و پسران باید برای ایفای موقعیت ها و نقش های خاص جنسیتی خود در خانواده و اجتماع تربیت و آماده شوند(غلامی، 1398: 140).

«نقش پدري» به عنوان یکی از نقش های جنسیتی است که برای تحکیم خانواده و شکل یابی هویت افراد خانواده بویژه فرزندان موثر است. خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی که فرزندان با آن مواجه می شوند، حائز اهمیت است. پدر به عنوان اولین الگوی جنسیتی که دختر با آن رو به رو می شود، در شکل گیری هویت جنسیتی وی و نحوه تعامل با جنس مخالف، مورد توجه است(Chen,2022: 307).

از نظر روان شناسان تربیتی، ارتباط مناسب دختران با پدران اهمیت بسیاری دارد. برخی دختران مبتلا به سندروم "daddy issue"؛ (مساله با پدر) بوده و رفتارهایی آسیب زا در ارتباط با جنس مخالف دارند. ارتباطات متعدد خارج از عرف، ارتباط با مردان سن بالا و چسبندگی در روابط از جمله نشانه های رفتاری این افراد است. در واقع این دختران با انجام چنین رفتارهایی به دنبال پر کردن خلاءهای عاطفی به جامانده از جانب «پدر» خود هستند(درتاج، 1400، www.atiyeonline.ir). از این رو، بررسی نقش تربیتی پدر در هویت یابی دختران و آگاهی بخشی به والدین و فرزندان برای رفع مشکلات احتمالی ناشی از بی توجهی به این مسئله، ضروری است.

در زمینه شکل گیری هویت جنسیتی دختران و عوامل موثر بر آن پژوهش هایی صورت گرفته است. «نقش خانواده و مدرسه در شکل گیری هویت جنسیتی دختران» نوشته مریم رئوف ملایری و همکاران، که در فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران در سال 1397 منتشر شده است. همچنین، مقالات «عوامل اجتماعی موثر بر هویت جنسیتی

دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز» نوشته محمود علمی و حمید علیزاده که در سال 1388 چاپ شده است و مقاله «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه مورد مطالعه دبیرستان های ناحیه دو شیراز» نوشته محمد تقی ایمان و فاطمه حائری است که در سال 1391 به چاپ رسیده است. با این وجود، پژوهشی که به صورت دقیق و مدون به بررسی نقش تربیتی پدر در هویت یابی دختران پردازد، یافت نشد. لذا، پژوهش پیش رو کوشیده ضمن تبیین اهمیت این موضوع و با بهره گیری از پژوهش های صورت گرفته، به بررسی نقش تربیتی پدر بر هویت یابی دختران، تاثیر آن بر فرایند هویت یابی، ابعاد و شاخص های آن پردازد.

1 مفهوم شناسی و نظریه های هویت جنسیتی

هویت جنسیتی یکی از مهمترین ابعاد هویت است. در زمینه این بُعد از هویت، نظریات گوناگونی بیان شده است. در این بخش، پس از تبیین مفهوم هویت جنسیتی به بیان اهم نظریات هویت جنسیتی می پردازیم.

1-1- مفهوم شناسی هویت جنسیتی

هویت تصویری است که فرد از خود و روابط اش با جهان بیرون دارد. اگر چه این تصویر با تصویری که دیگران از فرد دارند، متفاوت باشد. اما اینکه چه تصویری از خودمان داشته باشیم، بستگی دارد به تصویری که از جنسیت خود داریم. یعنی هویت ما را هویت جنسیتی ما تشکیل می دهد(مایکل کمیل، 1997؛ سفیری، محمدی، 1384: 118).

هویت در مفهوم عام خود، از منظر روانشناسی و جامعه شناسی مورد بررسی قرار می گیرد. هویت از منظر روانشناسی به معنای خودپنداره یا احساس تمایز، تداوم و استقلال شخصی است. مجموعه ویژگیها و الگوهای رفتاری که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر افراد، اقوام، ملل و تمدن ها متمایز می سازد. در این رویکرد، هویت عمده‌تاً حاصل یک فراگرد فردی ناشی از عوامل درونی (خودآگاه و ناخودآگاه) تعریف میشود. اما در رویکرد جامعه‌شناختی، هویت بیشتر محصول ساختارهای اجتماعی است و در اثر مشاهده، یادگیری اجتماعی و فرایند جامعه پذیری شکل میگیرد (بم، 1974).

جیمز، یکی از بنیان گذاران روانشناسی، «خود» را به دو بخش تقسیم کرده است، من فاعلی و من مفعولی. من مفعولی مجموعه چیزهایی است که فرد می تواند آن را مال خود بداند و شامل توانایی ها، خصوصیات اجتماعی و شخصیتی و تعلقات مادی است. من فاعلی خود آگاهانه است و دائماً تجارب مردم، اشیاء و وقایع را به نحوی کاملاً ذهنی سازمان داده و تفسیر می کند(جیمز، 2002).

بر اساس نظریات کلی پیازه و سایر نظریه پردازان روانشناختی، خود نوجوان از خود کودک خردسال، انتزاعی تر، پیچیده تر و منسجم تر است. نوجوانان به هنگام توضیح دادن درباره من مفعولی به همان اندازه تأکید بر خصوصیات روانشناختی یکپارچه، بر عقاید، افکار و احساسات تأکید می کنند. احساسات نوجوان تداوم داشته و برای توصیف خود، خود کنونی و خود آینده را یکی می کند. در حالیکه کودکان خردسال به هنگام توصیف خود، به کارهایی اکتفا می کنند که در زمان حال انجام می دهند.

کولبرگ اصول اساسی رشد شناختی پیازه را وارد مبحث جنسیت نمود. از نظر وی، برای دست یابی به مولفه هویت جنسیتی عبور از سه مرحله الزامی است:

1. دست یابی به مفهوم هویت جنسیتی: این مرحله در حدود دو سالگی رخ می دهد، که در این شرایط کودک شناختی از جنسیت خود می یابد و دیگران را با عنوان دختر یا پسر می شناسد اما تصویری از ثبات جنسیت در خود ندارد.
2. درک پایداری جنسیتی: این مرحله در سن 3-4 سالگی شروع می شود. کودک درکی از زن و مرد دارد اما هنوز تصور می کند با تغییر موقعیت نظیر تغییر نوع بازی ممکن است جنسیت افراد نیز تغییر کند.
3. مرحله ثبات جنسیت: این مرحله در حدود سن 6-7 سالگی شروع می شود و کودک درک می کند که جنسیت مقوله ای است که الزاماً ثابت است و در هیچ شرایطی تغییر نمی کند. از نظر کولبرگ تثبیت جنسیت در این مرحله فرد را به کسب نقش های جنسیتی هدایت می کند (ایمان، حائری، 1391: 17).

نظریه یادگیری اجتماعی، با تاکید بر تقلید و تقویت جایگزینی بر اکتسابی بودن نقش های جنسیتی توجه دارد. مطابق این نظریه، فرد با مشاهده رفتار اطرافیان، رفتار مناسب جنسی از خود بروز می دهد. کودکان به منظور دریافت پاداش می کوشند که رفتار جنسی مناسب از خود بروز دهند (میشل، 1966). این نظریه با تاکید بر اهمیت یادگیری دیداری و تقلید، برای تقلید از الگوهای ارائه شده توسط هم جنسان، اهمیت زیادی قائل است (دوپله و پالودی، 1998). خانواده و رسانه از مهمترین ارائه دهندگان الگوی جنسیتی محسوب می شوند و کودکان با مشاهده این الگوها در موقعیت یادگیری نقش های جنسیتی قرار می گیرند (ایمان، حائری، 1391: 16).

بر اساس نظریه های جامعه پذیری جنسیت، در فرآیند جامعه پذیری، کودکان نه تنها تبدیل به موجوداتی اجتماعی می گردند، بلکه ویژگی های مردانه یا زنانه نیز می یابند، در این وضع، جنسیت در بردارنده ی مجموعه ای از ویژگی ها یا رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای مردان و زنان، شایسته و مناسب می باشد (Stanly and wise, 2000: 273). براون معتقد است، خانواده نقش بسیار مهمی در جامعه پذیر کردن افراد دارد. کودکان دائماً والدینشان را در هنگام اجرای نقشهای جنس می بینند. طبیعی است که کودکان نقش های ایفا شده پدر و مادرشان را در خانه به عنوان شیوه های عادی و مقبول برای رفتار مردان و زنان تلقی کرده، آنها را بپذیرند (Brown, 1992: 86). به نظر شافر و لامن، در فرآیند جامعه پذیری در خانواده، نگرشها و هویت جنسیتی به صورت درونی شده، به فرزندان انتقال یافته، تداوم سلطه مردان و فرمانبری زنان را به دنبال دارد (Schaeffer and Laman, 1992: 98).

هویت یابی از موضوعات مهمی است که به دلیل نقش آن در کیفیت زندگی افراد مورد توجه پژوهشهای مختلف قرار گرفته است و ابعاد گوناگونی دارد. در میان این ابعاد، هویت جنسیتی به معنای مهمترین ادراکات هر زن و مرد نسبت به جنسیت متمایز خود است. این مفهوم ارتباط تنگاتنگی با نقش جنسیتی به عنوان محل بروز و ظهور شخصیت دارد. در تبیین زمینه های شکل گیری هویت جنسیتی، چند رویکرد غالب مطرح شده است. شامل:

ا- رویکرد تعینی یا ذاتی؛ که زنانگی و مردانگی را بر اساس تبیین زیست شناختی، واقعیت های بیولوژیک میدانند که فراتر از ابعاد فرهنگی و تاریخی جوامع، دو جنس نر و ماده را با دو هویت جنسی متمایز توصیف میکند (Pilcher & Whelehan, 2005).

ب- رویکرد سازه گرایی اجتماعی؛ که بر مفاهیمی همچون رویدادهای محیطی، انتظارات فرهنگی و اجتماعی، ساخت اجتماعی و تولید و بازتولید به تناسب زمان و مکانهای مختلف تأکید دارد و شکلگیری هویت معطوف به جنس را در ارتباط با این مفاهیم،

فرایندی تعریف میکند که فرد در ارتباط با جامعه، تعریفی از خود به عنوان زن یا مرد به دست می‌آورد (Burr, 1998) و لذا نقش یادگیری اجتماعی را بسیار جدی توصیف مینماید (Lorber, & Farrell, 1991).

ت- رویکرد دینامیک؛ که هویت جنسیتی را حاصل یک ارتباط پویا و تعامل مستمر بین محیط، ژنتیک و آناتومی یا ابعاد زیستی و ترجیحات طبیعی هر انسان میداند که ایجاد طیفی از افراد با هویت‌های تجربه شده متفاوت را به دنبال دارد (Brinkman & Rabenstein, 2012).

1-2- مهم ترین نظریات هویت جنسیتی

مهمترین نظریات مرتبط در زمینه شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران عبارتند از: نظریه نقش، نظریه جامعه‌پذیری جنسیت، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه طرحواره جنسیتی، نظریه هویت جنکینز.

1.1.1 نظریه نقش

نقش جنسیتی عبارت است از انتظارات غالب در یک جامعه در مورد فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آنها درگیر شوند (کامیر و همکاران، 1992: 325). در نظریه نقش جنسیتی، علاوه بر اختصاص وظایف خانگی یا اجتماعی جداگانه به هر یک از دو جنس، انتظار ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هر یک از دو جنس مد نظر است. در واقع، نقش‌های جنسیتی آن دسته از تجربیات مشترکی هستند که افراد بر مبنای مذکر یا مونث بودن شان به دست آورده و بر مبنای آن عمل می‌کنند (اگلی، 2000: 448). تفاوت‌های نگرشی و رفتاری مردان و زنان از نقش‌های متفاوتی ناشی می‌شود که آنها در جامعه دارند «موقعیت فرد در ساختار اجتماعی شکل دهنده‌ی باورها، نگرش‌ها و رفتارهای اوست» (Zuo, 1997).

1.1.2 نظریه طرحواره جنسیت

بر اساس نظریه‌ی طرحواره‌ی جنسیت که در چارچوب نظریات مربوط به هویت جنسیتی است و به وسیله‌ی ساندرا بام ارائه شده است، هویت جنسیتی زمانی شکل می‌گیرد که کودکان معنا و تصویری از خود می‌سازند که در بردارنده‌ی مفاهیم مردانگی و زنانگی است و جنسیت به بخشی از خودپنداره آنها تبدیل می‌گردد. کودکان به تدریج تشخیص می‌دهند که جنسیت یک ویژگی اساسی برای تعریف و شناخت هر کس است، پس از استحکام این شناخت‌ها، ادراکات فرد تحت تأثیر آنچه درباره‌ی جنسیت یاد گرفته‌اند، قرار می‌گیرد (Baron and Byrne, 1997: 176).

1.1.3 نظریه یادگیری اجتماعی

این نظریه بر ارتباط سه‌گانه میان فرد، رفتار و محیط از طریق فرآیند التزام یا علیت متقابل تأکید می‌کند (گراف و دیگران، 1381: 28). یکی از کاربردهای نظریه یادگیری اجتماعی، توضیح علل تفاوت‌های جنسیتی در نگرش و رفتار است. این نظریه تأکید بسیاری بر نقش عوامل محیطی در یادگیری نگرش‌ها و رفتارها دارد.

نظریه یادگیری اجتماعی با نام آلبرت باندورا همراه است. وی قائل است کودک از دو طریق رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را یاد می‌گیرد، نخست از طریق آموزش مستقیم و

دوم از طریق تقلید و همانند سازی (دوسک، 1987: 128). طرفداران این نظریه بر این باورند که والدین نقش بسیار مهمی در یاد دادن نقش های جنسیتی به فرزندان دارند زیرا زمان زیادی در ارتباط با فرزندان بوده و رابطه عاطفی با هم دارند (گرت، 1380: 35).

1.1.4 نظریه جامعه پذیری جنسیت

جامعه پذیری فرآیندی است که انسان ها از طریق آن شیوه های زندگی جامعه شناسان را می آموزند و شخصیت ویژه ای کسب می کنند؛ به گونه ای که آمادگی عملکرد و رفتار در جامعه به عنوان یک عضو را پیدا می کنند. امر مورد توجه جامعه شناسان در این نظریه، یادگیری مهارت ها و نگرش هایی است که متناسب با نقش های جنسیتی افراد است. جامعه پذیری جنسیت آن بخش از اجتماعی شدن است که به وسیله آن نه تنها کودکان تبدیل به موجوداتی اجتماعی می شوند، بلکه به افرادی با ویژگی های زنانه یا مردانه تبدیل می گردند. استانلی و وایز، 2002: 273). از منظر جامعه شناسان، خانواده دارای اهمیت اساسی در جامعه پذیر کردن افراد دارد. فرزندان به طور دائم در ارتباط با والدین بوده و نقش های جنسیتی را فرا می گیرند.

یکی دیگر از راه هایی که والدین رفتارهای جنسیت مدار فرزندان را تقویت می کنند از طریق الگوهای متفاوت کنش متقابل و رفتار با دختران و پسران است. تقلید فرزندان از رفتارهای والدین، منجر به جامعه پذیری متفاوت دختران و پسران در خانواده می گردد (لیندسی و همکاران، 1997: 643).

1.1.5 نظریه هویت جنکینز

جنکینز با تأثر از آرای مید و گافمن، در نظریه ی هویت اجتماعی خود بیان می کند که جنسیت آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل میان دیگران ساخته می شود. تفکیک جنسی که به طور اجتماعی از تفاوت های زیستی ساختار گرفته است، وجه رایج همه جوامع انسانی است. جنسیت همواره از منظر بیرونی تعریف می شود و در قیاس با سایر هویت های اجتماعی از استحکام بیشتری برخوردار است. از نظر جنکینز، شکل گیری هویت از طریق رابطه متقابل فرد و جامعه میسر خواهد بود، که به واسطه ی استفاده از نمادهایی که به طرق مختلف در جامعه شکل گرفته و به نظام ذهنی فرد منتقل می شود، صورت می گیرد (علمی، علیزاده، 1388: 79).

2 ارتباط خانواده و هویت جنسیتی

از جمله عواملی که بر ایجاد یک هویت موفق تأثیر می گذارد، روابط والدین با نوجوانان است و چگونگی این روابط، نقشی بسزا در شکل گیری نگرش ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت های فردی و اجتماعی نوجوانان خواهد داشت (عباس پور و همکاران، 1399: 9). خانواده یکی از مهمترین عوامل موثر بر هویت جنسیتی دختران است. در قانون مدنی ایران بر وجود کانون گرم خانواده و اقتدار پدر تأکید شده است. این امر نقش های سنتی زنانه و مردانه را هم در خانواده و هم در اجتماع تشدید می کند. نقش مادری و کارهای خانگی بر عهده زن و کار خارج از خانه بر عهده مرد است و مرد نان آور خانواده است. مجموعه این سیاست گذاری ها از طرفی روابط سنتی و مردسالارانه را در خانواده تقویت می کند و از سوی دیگر، موقعیت زن را هم در بعد مادری و هم در بعد اجتماعی و اقتصادی تضعیف می نماید. بنابراین، افزایش مشارکت زنان در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه، ساختار سنتی خانواده که بر اقتدار مردان استوار بود را، بر هم می زند و هویت جنسیتی جدیدی را جایگزین هویت جنسیتی کلیشه ای زن و مرد می نماید. بنابراین، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری

هویت جنسیتی و جایگاه خانواده در نسبت با این هویت، بویژه برای دختران نوجوان به عنوان اهرم های اساسی هر جامعه که هم نقش های مادری و هم نقش های اجتماعی را بر عهده دارند، ضرورت می یابد(حسین زاده و همکاران، 1392: 84).

خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه های گروهی در اجتماعی کردن اعضای خانواده موثر هستند، اما به اعتقاد بسیاری از جامعه شناسان، روانشناسان و منابع دینی، خانواده دارای اهمیت اساسی در جامعه پذیر کردن افراد و شکل گیری هویت جنسیتی آنان است. در محیط خانواده، کودکان پیوسته والدین خود را می بینند و نقش های آنان را به عنوان شیوه های عادی و پذیرفته شده برای زنان و مردان تلقی می کنند(براون، 1992: 86).

همچنین، والدین رفتارهای جنسیت مدار فرزندان خود را تقویت می کنند. والدین رفتارهایی را در پسران تشویق می کنند که آنها را دارای اعتماد به نفس، مستقل و جسور بار می آورند؛ درحالیکه دختران را به سوی رفتارهای افزایش دهنده روابط متقابل با دیگران و متکی شدن به آنها سوق می دهند(لیندسی و همکاران، 1997: 643).

براساس دیدگاه صاحب نظران، شیوه های فرزندپروری، یکی از سازه های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است که عاملی مهم برای رشد و تکوین شخصیت و شکل گیری هویت نوجوانان به شمار می رود. در این میان نوع برخورد والدین می تواند در کمک به نوجوانان برای رویارویی با این چالش بزرگ اثرگذار باشد. دیانا بامریند (1991)، شیوه های فرزندپروری والدین را به سه سبک تقسیم کرده است: 1- الگوی رفتاری قاطع (والدگری همراه گرمی و کنترل بالا)؛ 2- مستبد(والدگری همراه کنترل بالا و گرمی پایین)؛ 3- سهل گیرانه(کنترل پایین و گرمی بالا). شیفر(1965) نیز چهار الگوی فرزندپروری بر اساس دو بعد رفتار والدین یعنی آزادی و کنترل(سهل گیری در مقابل سختگیری) و سردی و گرمی(پذیرش در مقابل طرد) را ارائه نموده است(عباس پور و همکاران، 1399: 9).

خانواده عاملی اساسی و بی بدیل در شکل گیری هویت متعادل دختران و رضایت جنسیتی آنان است. تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همسو بودن شیوه های تربیتی والدین و بویژه نقش تربیتی پدر در نسبت با دختران، می تواند در نهادینه کردن هویت جنسیتی مطلوب نقشی اساسی داشته باشد.

3 نقش پدر و فرآیند هویت یابی دختران

فرآیند هویت یابی در جوامع سنتی عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی بویژه جنسیت است و با معیارهای سنتی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی، دینی و سیاسی شکل گرفته و نظام معنای مشخصی را تولید می کردند. امروزه با عرصه انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت آفرین و وسعت یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی و آزادی و استقلال نسبی افراد، به ویژه دختران در خانواده، صورتی فعال و غالباً آگاهانه به خود گرفته است(ساروخانی، 1383). در چنین شرایطی بررسی تاثیر عوامل نهادی، ساختاری و فرهنگی از جمله خانواده بویژه در شهرهایی که در معرض نوسازی بوده اند، چگونگی تاثیر این نهاد در هویت سازی و شکل گیری هویت جنسیتی دختران را نمایان می کند(ایمان، حائری، 1391: 9).

نقش پدر یکی از نقش های مهمی است که تنها یک نفر در خانواده آن را ایفا می کند. بر اساس شواهد، دریافت و ایفای این نقش نیازمند یادگیری است. از نظر لیتون(1953) نقش شامل نگرش ها، ارزش ها و رفتاری است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که این پایگاه را اشغال

می کنند داده می شود (کوزو و لوزنبرگ، 1385: 271). دادن یک نقش به یک فرد به این معناست که آن نقش یک فرد به تنهایی معنادار نبوده و باید بین دو یا چند نفر مورد تعریف قرار گیرد. بنابراین، نقش پدر تنها نقشی است که بین فرزند و مرد خانواده تعریف می شود (مسعودی و همکاران، 1394: 138).

ایوانا (2003م: 297) پدر را فردی می داند که در سه مورد با اعضای خانواده جدید در ارتباط است. پدر ابتدا با کودک، سپس با مادر و پس از آن با کلیت خانواده ارتباط دارد. وی نقش پدر را به دو صورت بعد رفتاری و بعد تبعی بیان می دارد. منظور از بعد رفتاری ایفای نقش و وظیفه واگذار شده به پدر است و منظور از بعد تبعی نتیجه ای است که از بعد رفتاری عاید مخاطب مورد نظر می شود (مسعودی و همکاران، 1394: 138). از جمله بعد رفتاری پدر در نسبت با کودک عبارتند از؛ بازی کردن، مراقبت کردن، توجه کردن تربیت و پرورش دادن، حفاظت کردن، حمایت کردن و درگیر کردن خود است و از جمله بعد تبعی پدر در نسبت با کودک همچون؛ اجتماعی شدن، نظم و ترتیب دادن، القای خود مختاری نمودن، یادگیری اخلاقیات، رشد نقش جنسی، کمک به رشد توانایی های شناختی، مداخله در روابط نمادین مادر-فرزند، تحمیل کردن اقتدار و حمایت و نظارت کردن است (ایوانا، 2003).

بسیاری از پژوهش ها بر تاثیر رفتار مادر بر فرزند و نقش وی پرداخته اند و فرض شده که پدر اهمیت مستقیم اندکی در تحول کودک دارد؛ لذا به نقش پدر کمتر توجه شده است. با این وجود، دلایل مختلفی وجود دارد که انتظار می رود پدران، به ویژه در خانواده های هسته ای امروزی، در تحول و بروز پیامدهای روانشناختی فرزندان خود نقش مهمی داشته باشند که می توان آن را در سه حالت زیر مشاهده نمود (فلوری، 2005). اول اینکه، مشارکت پدر در تربیت فرزند می تواند همانند مشارکت مادر تأثیر بارزی بر تحول کودک داشته باشد و در دسترس بودن پدر احساس حمایت هیجانی را برای کودک فراهم کند (کابرا و همکاران، 2000). دوم آنکه روابط پدران با فرزندان خود از روابط مادر-فرزند مجزا است. به-عنوان مثال پدران بیشتر فرزندان را برای رقابت جو و مستقل بودن تشویق و زمان بیشتری را صرف بازی و تعامل های برانگیزاننده جسمانی می کنند. بنابراین پدران می توانند در تحول برخی جنبه های تحول کودک نقش مهمی داشته باشند. و سوم اینکه مشارکت پدر بر رضایت از نقش مادری و سلامت روانی مادر نیز تأثیر دارد که غیرمستقیم بر بهداشت روانی کودک مؤثر است (فلوری، 2005).

در تربیت فرزندان هر دوی والدین مسئول هستند، اما پدران نقش بیشتری در ایجاد حس امنیت، استقلال و انتخاب های صحیح دختران بویژه در آینده بر عهده دارند. رابطه و رفتار پدر با دختر مسئله بسیار مهمی است که تعیین کننده بخش اعظمی از سلامت روان دختران به حساب می آید. رفتار پدر با دختر نیازمند مهارت خاصی است. رفتار پدر با دختر در مراحل رشدی مختلف، متغیر بوده و در هر دوره الزامات خاص خود را دارد. یعنی در هر سنی، والدین با توجه به نیازهای کودک باید به او توجه نشان دهند و رفتارشان را تغییر دهند. فرزندان در هر دوره رشدی که باشند، به محبت و رابطه محبت آمیز با پدر، توجه از جانب پدر، اقتدار پدران و صمیمیت با پدر نیاز دارند. به اعتقاد برخی روانشناسان، ارتباط عاطفی خاص پدر و دختر از همان زمان بارداری مادر آغاز می شود (درتاج، atiyeonline.ir).

در ادامه به بررسی نقش تربیتی پدر در سه دوره خردسالی، پیش و پس از بلوغ می پردازیم:

1-3- نقش پدر و دوره خردسالی دختران

روانشناسان معتقدند که سال های نخست کودکی، نقش مهمی در شکل گیری شخصیت انسان ایفا می کند. بسیاری از رفتارهای کودک ر بزرگسالی، حاصل بذرهایی است که در دوران کودکی

والدین در وجود او کاشته اند. کودک به جهانی پا می‌گذارد که والدینش برای او ساخته اند. سارتر معتقد است که کودک بخشی از اموال والدین است که از او مراقبت می‌کنند و خوشبختی او وابسته به این متعلق بودن است. در واقع، کودک بخشی از یک جهان سازمان یافته است که ماهیت و سرنوشت خود را از پدر و مادرش می‌گیرد (علوی تبار، 1381: 109).

در دیدگاه‌های روان‌تحلیل‌گری کلاسیک به نقش پدر در مرحله ادیپی نگریسته شده است و افرادی همچون لویال (1951) و بعدها ماهلر (ماهلر و گاسلینر، 1955) و گریناکر (1957) بر نقش مجزای پدر در اکتساب هویت در سال‌های اولیه کودکی تأکید کرده‌اند.

وینی کات (1990) نقش پدر را در دوران نوزادی، حمایت از مادر برای آماده شدن در محیط جدید می‌داند. از سوی دیگر، وی معتقد بود نقش پدر در دوران نوجوانی فراهم کردن محیطی غنی، بدون قصاص و بدون انتقام و کینه جویی است که به نوجوان امکان رویارویی با مسائل و سرکشی را بدهد. البته در کل، هم وینی کات و هم کلاین بیشتر بر نقش مادر تأکید دارند و نقش پدر را فرعی و در حمایت از مادر می‌بینند و تنها در دوران نوجوانی است که پدر به عنوان فراهم‌کننده الگویی برای همسان‌سازی مطرح می‌شود (پاکدامن و همکاران، 1390: 87).

بنابراین، پدر در دوران کودکی، با حمایت و کمک کردن به مادر در شکل‌گیری هویت و تربیت کودک تأثیر بسیاری دارد. پدر باید توجه داشته باشد که هر نوع حمایتی که از مادر در این دوران انجام دهد، ثمره و نتیجه آن را در شخصیت کودک خود خواهد یافت. فرزندان از همان کودکی رفتارهای والدین خود را مد نظر قرار داده و چون آنها را الگوی خود می‌دانند، می‌کوشیدند که همان رفتار را در خود شکل دهند.

3-2- نقش پدر و دوره پیش از بلوغ دختران

در دوران پیش از بلوغ، حدود بازه 7 تا 9 سال، فرزندان به تازگی با مفهوم جنس و جنسیت آشنا شده‌اند. آنان تفاوت دختر و پسر و نوع نقش‌ها و فعالیت‌های آنان را می‌یابند. در این میان، والدین به عنوان اولین افرادی که در ارتباط پیوسته و عاطفی با فرزند قرار دارند، بسیار مورد توجه فرزندان هستند و آنان می‌کوشند که خود را همچون مادر و پدر شکل دهند. در این زمان، پدر اولین جنس مخالفی است که دختر با او در ارتباط قرار می‌گیرد و نحوه تعامل او با جنس مخالف متأثر از رابطه او با پدرش قرار دارد. بر اساس نظریه دلبستگی، در این دوره، کودک، سلسله‌مراتبی از روابط دلبستگی را ابتدا با مادر و سپس با پدر شکل می‌دهد. لذا نقش پدر در این دوره برای دختر اهمیت می‌یابد (پاکدامن و همکاران، 1390: 87).

پدران ممکن است بیش از مادران در رشد هویت جنسی سالم دختران نقش داشته باشند. آنان آگاهانه یا ناآگاهانه رشد جنسی دختر خود را تقویت می‌کنند. اگرچه ممکن است پدران خود از میزان تأثیری که بر تربیت زنانه دخترانشان می‌گذارند، آگاه نباشند، اما نقش مهمی بر رشد زنانگی دختر خود دارند. به عنوان مثال، دختران رشد یافته در خانواده‌هایی که مادر مسلط و پدر منفعل بوده و در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نکرده و نقش تربیتی به عهده نداشته است، در آینده با مردان دچار مشکل می‌شوند. پدران باید نیازهای متنوع دختران را بشناسند، چون عدم توجه و تأمین آنها از جانب والدین به خصوص پدران می‌تواند به طور بالقوه احتمال گرایش دختران به ایجاد ارتباط با جنس مقابل را افزایش دهد (سخندان، sokhandani.com).

3-3- نقش پدر و دوره پس از بلوغ دختران

در این دوره سنی، که از زمان بلوغ شروع شده و تا اتمام نوجوانی دختر ادامه می یابد. این دوره بسیار دارای اهمیت است. دختران در این دوره سنی در صدد تعامل با اجتماع بوده و مفهوم اجتماعی شدن و هویت یابی را درک می کنند. دختران در ضمن توجه به نقش های جنسیتی و بر اساس مفاهیم شکل گرفته در سنین پایین تر و متناسب با انتظارات جامعه و خانواده از آنها، در پی یافتن هویت خودشان هستند. ارتباط با جنس مخالف و تامین نیازهای عاطفی در این دوره معنا می یابد. اینجاست که نقش پدر و تعامل او با دختر در شکل گیری هویت جنسیتی دختر موثر بوده و نقش بسزایی دارد.

مطالعات بسیاری بر رابطه معنادار مشارکت و درگیری پدر با پیامدهای مثبت روانشناختی، حتی پس از کنترل نقش مادر، صحه گذاشته اند. به عنوان مثال فلوری و باچانان (2002) نشان دادند که صمیمیت کم میان پدران و دختران نوجوان آن ها موجب افسردگی دختران می شود. نتیجه برخی پژوهش ها در انگلیس نیز نشان داد تعامل بیشتر پدران با فرزندان موجب کاهش رفتار ضد اجتماعی و افزایش روابط صمیمانه تر با همسالان می شود. همچنین کولی (2003) نشان داد که ادراک دختران از خشم و بیگانگی رابطه مثبتی با مشکلات رفتاری و هیجانی آنها دارد. در نهایت شواهد نشان می دهد که پدرها تأثیر مهمی بر تحول نوجوان دارند، ولی ماهیت و گستردگی این تأثیر روشن نیست (پاکدامن و همکاران، 1390: 88).

پدر اولین مردی است که دختر به عنوان جنس مذکر با او آشنا می شود. دختران بر اساس الگویی که از پدر خود در ذهن دارند، انتظارات خود را از مردان دیگر شکل می دهند. اگر دختری از پدرش متنفر باشد یا بسیار عاشق او باشد یا پدر بی کفایت و ناشایست یا بسیار موفق و مهربان داشته باشد، از تصویر او برای شکل دادن به انتظاراتی که از سایر مردان دارد استفاده می کند. از این روست که پدر نقش مهمی در معیارهای انتخاب و ارتباط دختران با سایر مردان دارد. تیپ های شخصیتی، شیوه های فرزندپروری و مدیریت رفتار پدران از جمله عوامل موثر در ارتباط بین دختر و پدر و روابط دختران با سایر مردان است.

4-الگوهای تعاملی پدران

در نحوه تعامل پدران با دختران، چند الگوی معین از پدرها را می توان ارائه داد که در نحوه ارتباط دختران با سایر مردان موثر است، از جمله:

- 1- پدران قدرتمند؛ داشتن پدران قدرتمند باعث شکل گیری نوعی آرمان گرایی در دختر می شود. دختر با دیدن عظمت پدر خود، مردانی که از این هیبت برخوردار نیستند را، ناچیز می پندارد. در این حالت دور شدن از این پدر قدرتمند برای دختر سخت بوده و نیازمند آن است که از طریق آگاهی دریابد که مردان را همانگونه که هستند، بپذیرند. این قدرتمندی پدر، بر دختر نیز منتقل شده و او نیز در هویت یابی خود از قدرت و استقلال بیشتری نسبت به سایر همسالان خود برخوردار می شود.
- 2- پدران بی محبت؛ روابط والدین در خانواده بر فرزندان تأثیر بسزایی دارد. رابطه بد پدر و مادر بر زندگی عاطفی فرزندان بویژه در نوجوانی و بزرگسالی آثار نامطلوبی داشته و فرزندان را با خلا بی محبتی رو به رو می کند. بی محبتی پدر، نوعی اضطراب دائمی در دختر ایجاد می کند. در بسیاری موارد دختر برای رفع این بی محبتی پدر، اقدام به تامین آن از راه های ناشایست می نماید.

- 3- پدران بی خیال؛ پدرانی که خود را در قبال خانواده و فرزندان مسول نمی دانند. اینان نسبت به تامین نیاز های فرزندان و بویژه دختران احساس مسولیتی ندارند. دختر در این رابطه دچار مشکل روحی شده و در بزرگسالی می کوشد به نحوی این خلا را تامین نماید.
- 4- پدر کنترل گر و تندخو؛ ارتباط این پدران با دختران، نوعی تایید محسوب می شود. این رفتار پدر منجر به شکل گیری احساس ترس مبهم اما مداوم در درون دختر می شود.

در اثر ناتوانی پدر در کنترل ارتباط همراه با صداقت، دختر نیز به سوی پنهان کاری و عدم اعتماد سوق داده می شود. بدیهی است این احساسات و رفتارها باعث می شود تا دختر پس از بلوغ در ارتباط با سایر مردان، به صورت غیرمستقیم و با عدم صراحت عمل کند. همچنین پدران باید به نقش خود در رشد شخصیت زنانه دختر بسیار توجه کنند و شناخت پدر از حالات زنانگی دختر یکی از مسائل بسیار مهم و حائز اهمیت است چراکه اگر دختر از طرف پدر احساس شناخت و توجه نکند و یا پدر به شیوهای افراطی خانم ها را جنس برتر و ارزشمندتر بداند، در آینده دختر در رشد شخصیت و حتی پذیرش جنسیت خود دچار مشکلاتی خواهد شد. پژوهشهای روانشناختی نشان داده اند دخترانی که در خانه مورد حمایت عاطفی پدران نشان قرار می گیرند، در ارتباط با جنس مخالف دچار تصمیم های سطحی و لحظه ای و زودگذر نمی شوند و در انتخاب های خود کمتر درگیر احساسات و هیجانهای آنی می شوند. پدرانی که نقش طبیعی خود را به عنوان حامی جنسیت دختر خود نادیده می گیرند، بیشتر به روحیه دختر آزار رساننده و روند رشد عادی او را برای معاشرت با دیگران به خطر می اندازند. چنین دختری همیشه به دنبال هویت جنسی گمشده خود می گردد. بسیاری از زنان موفق در دوره کودکی و نوجوانی، پدرانی داشته اند که استعداد و احساسات مربوط به جذابیت و دوست داشتنی بودن را در آنها پرورش داده اند. در واقع، این زنان در طول زمان شکل گیری شخصیت، به طور مستمر از جانب پدران شان مورد احترام بوده و هیچگاه ضعیف شمرده نشده اند (درتاج، atiyeonline.ir).

نتیجه گیری

هویت یابی و شکل گیری هویت جنسیتی در دختران حائز اهمیت است و عوامل بسیاری بر آن تاثیرگذار هستند. یکی از مهمترین عوامل موثر بر هویت جنسیتی دختران، نقش تربیتی پدر در خانواده است. پدرانی که بیشتر با دختر خود همراه بوده و برای آنها وقت می گذارند و به تامین نیازهای روانشناختی و تربیتی آنها توجه می نمایند، در آینده دخترانی مستقل و قوی خواهند داشت که در برابر جنس مخالف دچار آسیب نمی شوند. نقش پدر از همان دوران بارداری مادر شروع شده و تا دوره خردسالی، دوران پیش از بلوغ و حتی دوران پس از بلوغ دختر ادامه می یابد. هر کدام از این مراحل حائز اهمیت بوده و رفتار والدین همچون بذری در وجود فرزند قرار می گیرد که در آینده به ثمر می نشیند. با این وجود، دوره پس از بلوغ دختران از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا دختر در این دوره در تقابل خود و اجتماع قرار می گیرد و در صدد یافتن هویت اجتماعی و هویت جنسیتی خود است. بر اساس پژوهش ها، دخترانی که از حمایت های عاطفی پدر برخوردار باشند، در ارتباط با جنس مخالف دچار تصمیم های سطحی و زودگذر نمی شوند و احساسات و هیجانها کمتری بروز می دهند. همچنین در هویت یابی و یافتن هویت جنسیتی خود کمتر دچار انحراف بوده و هویت یابی موفق تری خواهند داشت. توجه به نقش پدر تنها در منابع دینی مورد توجه نبوده؛ بلکه از منظر جامعه شناسی و روانشناسی نیز به ضرورت و اهمیت این مسئله پرداخته شده است. حتی در برخی منابع لاتین نیز به اهمیت نقش والدین و بویژه پدر در شکل گیری هویت جنسیتی دختران توجه شده است.

منابع

- احمدنیا، شیرین و همکاران. (1396). «هویت یابی متمایز دختران نسل نو با تأکید بر تحصیلات دانشگاهی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره 36، صص 107-122.
- ایمان، محمد تقی و حائری، فاطمه. (1391). «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه مورد مطالعه دبیرستان های ناحیه 2 شهر شیراز»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال 10، شماره 4، صص 7-40.
- پاکدامن، شهلا و همکاران. (1390). «کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری - هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران»، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال 5، شماره 1، صص 85-100.
- حسین زاده، علی حسین و همکاران. (1393). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر، سال هشتم، شماره 1، صص 81-102.
- درتاج، فریبرز، نقش پدر در شکل گیری شخصیت زنان موفق، 25، www.atiyehonline.ir بهمین 1400.
- رئوف ملایری، مریم و همکاران. (1397). «نقش خانواده و مدرسه در شکل گیری هویت جنسیتی دختران»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران، سال دوم، شماره 3، صص 302-311.
- ساروخانی، باقر، رفعت جاه، مریم. (1383). «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره 133، صص 71-91.
- سخندان، فیروزه، نقش پدر در تربیت جنسی کودکان، <http://sokhandani.com>.
- سفیری، خدیجه و سیده عقیله محمدی (1384)، هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار، سال دوم، شماره اول، 107-139.
- عباس پور آذر، زهرا و همکاران. (1399). «پیش بینی سبک هویت بر اساس رابطه فرزندپروری ادراک شده و نگرش منفی دختران نسبت به پدران»، خانواده و پژوهش، شماره 3، صص 7-26.
- علمی، محمود و علیزاده، حمید. (1388). «عوامل اجتماعی موثر بر هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، زن و مطالعات خانواده، سال اول، شماره 3، صص 75-90.
- علوی تبار، هدایت الله. (1381). «نظر سارتر در خصوص نقش پدر و مادر در شکل گیری شخصیت کودک»، نامه فرهنگ، شماره 45، صص 109-111.
- غلامی، علی. (1398). هویت و نقش های جنسیتی زن در اسلام، مروری اجمالی و تطبیقی بر نظام جنسیت و خانواده در اسلام. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- قائمی فر، حسین و حمایت خواه جرمی، مجتبی. (1388). «بررسی تاثیر خانواده بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم»، دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، سال 1، شماره 3، صص 83-102.

مسعودی، حمید و همکاران. (1394). «تأثیر نقش پدری بر تربیت دینی فرزندان در بین خانواده‌های شهر مشهد»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال 10، صص 135-155.
مومن، رقیه السادات. (1400). بازخوانی هویت زن در سنت علوی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Chen, Guo.(2021). The Role of Parents in Their Children's Gender Identity, Atlantis Press SARL.

Pilcher, Jane and Imelda Whelehan (2005) "Fifty Key Concepts in Gender Studies", SAGE Publication London; Culture, Health & Sexuality, 7(6), 646-668.

Lorber, J. and Susan A. Farrell. (1991) "Principles of Gender Construction", In: "The social construction of Gender", London; New Delhi Scott (2003), Becoming; Studies in Boys, Men and Masculinity, Young: Volume 8, Number 4.

Bem, S.L. (1974) "The Measurement of Psychological Androgyny" Journal of Consulting and Clinical Psychology, 42, 155 –162.

Mischel, W.(1966). "A social learning view of sex differences in behavior". In E.E.Maccoby (ed), The Development of Sex Differences. Standford: CA; Standford university press.

Zuo, J (1997) "The Effect of Men's Breadwinner Status on Their Changing Gender Beliefs", Sex Roles, Vol. 37, No. 9/10, pp: 799- 8165.

Brown, K. (1987) Adolescent development and behavior" Englewood cliffs and new jersey. Prentice Hall Inc.